

بررسی سهم سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی در سیاست‌های کلی نظام، اسناد بالادستی و قوانین برنامه در ج.ا.ا.

اشرف بروجردی *

چکیده :

از شاخص‌های جوامع توسعه یافته برخورداری از برنامه‌ای کلان برای اداره کشور است که بر اساس باورهای مدیران و سیاستگذاران، استانداردهای علمی و پذیرفته شده جهانی، ظرفیتهای کشور و امکانات سرزمینی برای رسیدن به شرایط مناسب زیستی و توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. تحولات سریع در حوزه مسائل اجتماعی و به تبع آن تغییر ارزشها، هنجارها، سبک و الگوی زندگی، آداب و رسوم اجتماعی ایجاب می‌کند تا در برنامه‌ریزی کلان جامعه همه این تغییرات و تحولات مورد توجه قرار گیرد. این مطالعه بر آن است تا سهم مسائل اجتماعی در برنامه‌ریزی کلان جامعه و در ترسیم سیاست‌های کلی نظام را مورد بررسی قرار داده و جایگاه آن را تعیین نماید. بررسی انجام شده نشان از آن دارد که میزان سهم مسائل اجتماعی و فرهنگی در سیاست‌های کلان جامعه ایران با تحولات اجتماعی و فرهنگی هماهنگی لازم را ندارد ضمن اینکه در تعریف و تعیین مسائل اجتماعی توجه به رفاه و اشتغال به مراتب بیش از سایر مسائل فرهنگی - اجتماعی از جمله پرداختن به نیازهای فرهنگی نسل امروز و پاسخگویی به مطالباتی همچون ورزش، موسیقی، هنر و سایر مباحث فرهنگی و در حوزه اجتماعی توجه به سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت اجتماعی و ... است.

* عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، abrujerdi@yahoo.com

کلید واژه: اسناد بالادستی، قانون برنامه، سند چشم‌انداز، مسائل اجتماعی، شورای اجتماعی

۱- مقدمه:

توجه به مسائل اجتماعی در جوامع در حال توسعه و توسعه یافته کارآمدی برنامه‌های توسعه‌ای را به همراه خواهد داشت، بویژه با برخورداری از سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد، اخلاق و مشارکت جمعی که می‌تواند ضامن اجرای بهینه برنامه‌ها باشد، امروزه جوامع بشری توسعه را با تحولات سریع فرهنگی - اجتماعی تجربه می‌کنند و چنانچه سرمایه اجتماعی وجود نداشته باشد جامعه دچار گسست و از خودبیگانگی می‌شود. گیدنز معتقد است که «تجدد و تغییرات بر کیفیت زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد». (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۱) ضمناً برنامه‌ریزی در جوامع در حال توسعه باید ناظر به آینده باشد براساس واقعیتهای زندگی تا بتوان به نسل امروز نشان داد که تغییرات سریع فرهنگی - اجتماعی نباید تغییر ارزشها را هدف قرار دهد اگر چه تغییر ارزشها هم بدیهی است لیکن در حد متعارف پذیرفته است و چنانچه بیگانگی دو نسل را به همراه داشته باشد، جامعه را دچار گسست می‌کند چون "ارزشهای قدیم با سرعت هر چه تمام‌تر واژگون می‌شود و ارزشهای جدید مورد استناد کامل و پذیرش همگان قرار نگرفته است. خلایی که در نتیجه این دگرگونی‌ها حاصل شده صور مختلف از جمله احساس ناکامی، بی‌بندوباری، تنهایی و درماندگی انسانها متظاهر می‌گردد." (صانعی، ۱۳۵۴، ص ۴۲) یعنی که ارزشها می‌توانند تعیین کننده نوع برخورد با این دگرگونی‌ها باشند "هر جامعه‌ای ارزش و سنت خاصی دارد. که نظرگاه او را در مسائل امروز، دیروز و فردا تعیین می‌کند و بسته به اینکه این دیدگاه با نرمش و تغییر پذیری چنین تحولی نباشد، تغییرات عمیق ریشه‌ای و پایداری در مناسبات اجتماعی پدید نخواهد آورد (چیه ناکانه، ۱۳۶۹، ص ۹) مگر در مدت زمان طولانی و با تلاش چند نسل و ایفای نقشی که هر یک از احاد جامعه بر اساس موقعیت و منزلت اجتماعی خود به عهده داشته باشد. چه در نقش یک مدیر و یا یک سیاستمدار و یا حتی در نقش یک فرد از احاد جامعه و به تعبیر فاضلی "نقش اجتماعی الگوی رفتاری است که فرد در موقعیت و وضعیتهای اجتماعی مشخص باید از آن پیروی و تبعیت کند" (فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۹۴، ص ۱۱) لیکن در میان این عوامل سیاستگذاران و مدیران

اثر بخشی بیشتری نسبت به دیگر عوامل در شکل‌گیری یک الگوی رفتاری را ایفا می‌نمایند و چنانچه سیاستها منطبق با واقعیتهای جوامع نباشد، توسعه‌ای هم رخ نخواهد داد. بنابراین برای دستیابی به جامعه‌ای توسعه یافته ناگزیر از تدوین برنامه‌ای جامع و سیاستگذاری کارآمد هستیم چون " شرط کارکرد هر نظام در تداوم و بقای نظام بزرگتر یا جامعه وجود سازمانها و سیاستگذاریهایی است با اهدافی مشخص در ارتباط با نهادها و پدیده‌های اجتماعی و رفع نیازهای جامعه مربوط به هر یک از آنها " (آلن پیرو، ۱۳۷۰، ص ۲۵۸) و منظور از سازمان در این مطالعه سیاستگذاریهایی است که در قالب برنامه پنج ساله توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعریف شده است. و به تناسب شرایط فرهنگی-اجتماعی شکل گرفته‌اند. تعدد و تکثیر موضوعات سبب شکل‌گیری سازمانهای مختلفی شده که سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مناسب می‌طلبد. مثلاً در جمهوری اسلامی ایران مراکز متنوع و متعددی بوجود آمده که چند سال قبل از آن اساساً موضوعیت نداشتند مثل شورای اجتماعی کشور، کمیته امداد، بنیاد شهید، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، بنیاد امور جنگ‌زدگان و ... که هر یک از آنها کارکرد اجتماعی دارند و قبلاً وجود خارجی نداشتند و تحولات سریع فرهنگی، اجتماعی زمینه‌ساز ایجاد آنها شده است. بررسی روند تغییرات اجتماعی و شکل‌گیری رفتارها سهم تأثیر قوانین و سیاستها را در تحولات و تغییرات رفتارهای اجتماعی نشان می‌دهد با تأکید بر این نکته که تعیین سیاستها متأثر از نگاه مدیران و سیاستگذاران است. لذا در این مطالعه به بررسی دیدگاه و نظرات مدیران نسبت به مسائل اجتماعی از خلال سیاستهای کلی نظام، سند چشم‌انداز، قوانین برنامه (۵ دوره پنج ساله) و قوانین موضوعه در حوزه مسائل اجتماعی می‌توان دست یافت و اینکه مباحث و موضوعات اجتماعی از دیدگاه، سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مدیران جامعه در برگیرنده چه مسائلی است. در این زمینه مطالعات زیادی صورت نگرفته تنها در یک مورد مقایسه قانون اول و دوم در زمینه نگاه ایدئولوژیک یا نگاه عملگرایانه به قانون برنامه مطالعه صورت گرفته که متفاوت از این مطالعه است. بنابراین ضرورت پرداختن به این مبحث نیاز این حوزه است و اینکه مسائل اجتماعی تا چه میزان مورد توجه و دغدغه مدیران و سیاستگذاران است چنانچه این دیدگاهها و رویکردها منطبق با واقعیت نباشد و نیازهای جامعه را نتواند پاسخ بدهد نمی‌توان به سوی توسعه حرکت نمود و نقش مسائل اجتماعی را در توسعه سیاسی و اقتصادی نادیده بگیریم بنابراین هدف از این مطالعه دستیابی به تعیین جایگاه مسائل اجتماعی در سند چشم‌انداز و قوانین برنامه و اسناد

بالادستی و تعیین وزن آنها در مجموعه قوانین برنامه است و نکته مهمتر اینکه چون اکثر مدیران نگاهشان در حوزه توسعه اجتماعی عمدتاً توجه به مسائل رفاهی، بیمه‌ای، آموزشی و بهداشتی است و موضوع سرمایه اجتماعی تقریباً در هیچیک از برنامه‌های توسعه‌ای (غیر از قانون برنامه سوم) لحاظ نشده است از اهداف این مطالعه تمرکز بر این اصول است تا مدیران در تدوین سیاست‌ها و قوانین همه‌جانبه‌نگر باشند و نکته مهمتر اینکه راهکار مناسب برای کارآمد بودن قانون برنامه ارائه دهند خصوصاً اینکه در سخنان مدیران ارشد نظام عمدتاً دو نکته اصلی "اجرای عدالت" و "پاسخگو بودن به مردم" مطرح است. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا دریافت سیاستگذاران از مسائل اجتماعی با واقعیت‌های جامعه در تطابق است و اینکه دایره مسائل اجتماعی در اسناد فرادست در برگیرنده چه بخشی از نیازهای جامعه است؟ و بالاخره اینکه وزن مسائل اجتماعی در قوانین ج.ا.ا. به چه میزان است؟ و چون قوانین نقش عمده‌ای در فرهنگ سازی جامعه دارند چون مفاهیم را به باور و اندیشه آحاد جامعه می‌نشانند پس باید بر آنها متمرکز شد تا به توسعه دست یافت به عبارت دیگر بخشی از دایره نفوذ مفاهیم فرهنگی و اجتماعی از طریق ادبیات قانونگذاری به جامعه تسری می‌یابد و خود موجب زایش مفاهیم جدیدی می‌شود و سبب آفرینش اندیشه‌های پویا و خلاق در جامعه خواهد شد.

۲- رویکرد به مسائل اجتماعی :

رویکرد به مسائل اجتماعی تابعی است از شناختی که هر کس نسبت به موضوعات اجتماعی دارد. در جوامع صنعتی مسائل اجتماعی همراه با شهرنشینی و صنعتی شدن معنی می‌دهد. به تعریفی دیگر "رویکرد شامل ایده اصلی است که مفهوم سازی و تحلیل از آن پیروی می‌کند. و منعکس کننده مجموعه خاصی از ایده‌ها و فرضیه‌های مربوط به طبیعت، مردم و جامعه است" (ا.ل. رایینگتن، مارتین واینبرگ؛ رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، مترجم: رحمت‌الله صدیق سروستانی، ۱۳۸۲، ۷۸). از سوئی دیگر مسائل اجتماعی نسبی هستند تا جایی که هنوز تعریف واحدی از مسائل اجتماعی حتی در میان جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان وجود ندارد، طبعاً در نظر مدیران و سیاستگذاران به طریق اولی رویکرد واحدی از مسائل اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

این مطالعه مسئله اجتماعی را مسئله‌ای می‌داند که بخشی از جامعه با آن درگیر هستند و در عین حال آن مسئله در جامعه عینیت دارد و طرح آن با فرهنگ و فهم عمومی جامعه بیگانه نیست.

لذا " مسئله اجتماعی ممکن است از زمانی به زمان دیگر و یا از مکانی به مکان دیگر یا از گروهی به گروه دیگر فرق کند " (محمدی، سید بیوک، شناسایی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۴، ۸)

این تفاوت‌ها قطعاً مقاومت‌هایی را به همراه دارد. بویژه از سوی حاکمان و برنامه ریزان که جایگزین کردن نظم نوین به جای نظم گذشته را کمتر می‌پذیرند. و همین مسئله موجب بروز و ظهور خشونت و مقاومت‌هایی از سوی جامعه و حاکمان می‌شود. تافلر معتقد است: " راه حل این مشکلات در خفه کردن مخالفین و یا متهم ساختن اقلیتها به خود پرستی نیست. حل این مشکلات فقط در فراهم آوردن نظم و ترتیبی جدید و خلاقانه برای سازگاری با این تکثر و تنوع و مشروعیت دادن به آن نهفته است یعنی ایجاد نهادهائی که نسبت به نیازهای متغیر اقلیتهای در حال تحول و تکثر حساس باشند(الوین تافلر- وهایدی تافلر، به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفر، ۱۳۷۶، ۳۱).

به همین دلیل شما آهنگ تغییر رویکرد سیاستگذاران در تدوین ۵ دوره قانون برنامه در ج.ا.ا را بسیار کند و اندک می‌بینید به عنوان مثال شکل گیری شوراهای شهر و روستا است که هفت اصل از اصول قانون اساسی به آن اختصاص یافته در قوانین برنامه دوره اول و دوم مورد توجه نبوده و کاملاً مغفول بوده در قانون برنامه سوم تنها در یک ماده آنهم ذیل ماده مرتبط با بحث سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و در قوانین برنامه چهارم و پنجم در قالب رویکرد به ساختار نظام موضوع شوراهای مورد توجه قرار گرفته و یا تغییر در نظام آموزشی کشور بخصوص در رابطه با مدارس اساساً کمیت به بحث گذاشته شده و کیفیت کمتر مورد توجه بوده است.

۲-۱- تعرف واژه‌ها :

در نخستین رو یا رویی با مسائل اجتماعی برای رسیدن به فهمی مشترک از مسائل اجتماعی با انبوهی از واژه‌ها و توصیف‌هایی رو به رو می‌شویم که هر یک به تنهایی می‌تواند

دریچه ای از مسائل اجتماعی را پیش روی ما قرار دهد که به توصیف برخی از آنها می پردازیم .

۲-۱-۱- **مسائل اجتماعی:** وضعیت اظهار شده‌ای است که با ارزشهای شماری از مردم مغایرت دارد و برای تغییر آن وضعیت باید اقدام کرد . (ا.ل رایبکتن ، مارتین واینبرگ، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، مترجم رحمت الله صدیق سروستانی، ۷۶، ۱۳۸۲).

۲-۱-۲- **نهادهای اجتماعی:** به نهادهایی گفته می‌شود که رابطه‌ها، شیوه‌های رفتاری سازمان یافته و ترکیبی از مدل‌های فرهنگی که نیازهای انسان آنها را به وجود می‌آورد و برای رفع نیازهای انسان به کار می‌رود (گلشنی فومنی، محمد رسول، جامعه شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی، ۲۷، ۱۳۷۹).

۲-۱-۳- **پدیده‌های اجتماعی:** خصصت‌های اجتماعی، خانوادگی، طبقاتی و ملی که بر اثر روابط متقابل افراد و گروهها در روند تحولی جامعه بوجود می‌آیند . (محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه شناسی، ۱۳۷۵، ص ۲۰ تا ۱۵۰).

۲-۱-۴- **پایگاه اجتماعی:** ارزشی است که یک گروه برای یک نقش اجتماعی قایل است هر جامعه ای مطابق مقتضیات خود، نقش اجتماعی را رتبه بندی می‌کند . (گلشن فومنی، محمد رسول، جامعه شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی، ۲۷، ۱۳۷۹).

۲-۱-۵- **نقش اجتماعی:** مجموعه فعالیتهایی که هر کس در مجموعه گروه‌های مربوط به خود ایفا می‌کند . (همان)

۲-۱-۶- **اسناد بالا دستی:** کلیه قوانین و سیاست‌هایی که بر اساس آنها قوانین عادی تدوین می‌شود را اسناد بالا دستی می‌نامند .

۲-۱-۷- **قوانین برنامه:** به مجموعه قوانینی گفته می‌شود که به عنوان برنامه ریزی کلان کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و فرهنگی تحت عنوان قوانین برنامه تدوین می‌یابد .

۳- **مسائل اجتماعی و سند چشم انداز ج.ا.ا در افق ۱۴۰۴ ه. ش**

جامعه ایرانی اسلامی در افق این چشم انداز دارای این ویژگی‌ها است:
برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب این سند که در سال ۱۳۸۲ مورد تایید مقام معظم رهبری قرار گرفت. پایه و اساس سیاست‌های کلی نظام در تنظیم برنامه چهارم و پنجم توسعه تدوین یافت و اجرایی گردید.

۴- مسائل اجتماعی و قانون برنامه اول توسعه:

تدوین قانون برنامه اول توسعه در حالی شکل گرفت که جنگ پایان یافته بود و موضوع عمران و بازسازی کشور و سازندگی مورد توجه قرار گرفت در چنین شرایطی که مردم خسته از جنگ انتظار عمران و آبادانی و رفاه در زندگی فردی و اجتماعی را داشتند و مطالبات توسعه یافته آنان باید پاسخ داده می شد در حالیکه کشور متاثر از تحریم و جنگ همچنان شرایط سختی را تجربه می کرد. نگاه به قانون برنامه اول توسعه و جایگاه مسائل اجتماعی در آن نشان از رویکرد حاکمان به واقعیت‌ها را نشان می دهد.
اما آنچه که بیشتر بر آن تأکید شده و مورد توجه قرار گرفته عبارتند از: آموزش در همه سطوح و توسعه علم و فن آوری و دیگر رفع نیازهای اقتصادی و توسعه رفاه و تامین نیازهای مالی افراد پس از گذشتن هشت سال از جنگ و تحمل محرومیت‌های فراوان بود این رویکرد به ما یادآوری می کند که گسترش علوم و توسعه فن آوری و محو بیسوادی می تواند محور یک جامعه پیشرفته باشد. لیکن در این مقطع برای جبران حضور اساتید و دانشمندانی که بواسطه انقلاب و جنگ مملکت را ترک کرده بودند دولت به اعزام دانشجوی و بورسیه کردن آنها بسیار همت گماشت و طبعاً کسانی می توانستند از این امکان استفاده نمایند که نسبت به انقلاب اسلامی ایران اگر چه در ظاهر دل‌بستگی و وابستگی داشتند. از سوی دیگر توجه به رفاه جامعه در مقابل عده معدودی که رفاه زدگی و رقابت اقتصادی را به ارمغان آورده بودند به تدریج سبب شد تا تلاش برای تامین نیازهای مادی اهمیت یابد موضوعی که بنا به دلایلی به همراه خود بی‌عدالتی را ایجاد کرد اگر چه رویکرد قانون برنامه اول تأمین عدالت بود.

۵- مسائل اجتماعی و قانون برنامه دوم توسعه

اگرچه در قانون برنامه دوم مسائل اجتماعی و فرهنگی همچنان رویکرد به نظام آموزشی در مقاطع تحصیلی در مدارس را نشان می‌دهد. لیکن در حوزه تامین رفاه از مسئله تامین نیازهای اولیه جامعه به سمت توسعه منابع و ایجاد اشتغال جهت‌گیری صورت پذیرفته و البته به موازات آن موضوع تحدید نسل جهت برنامه‌ریزی بهتر و توسعه رفاه حال مردم در دستور قانون برنامه دوم قرار گرفت این تغییر نگاه در راستای توسعه همه جانبه و گام به گام بود و موجب گردید فرهنگ بهره‌مندی از تسهیلات دولتی که به منظور به حرکت درآوردن چرخ‌های سازندگی انجام شده بود به عنوان یک عرصه رقابت در حوزه مسائل مالی تبدیل شود بویژه اینکه هنوز نظام مالیاتی کشور در زمینه دریافت دقیق مالیات‌ها فعال نبود و این گام دیگری شد برای ایجاد اختلاف طبقاتی در حوزه رفاه و توان مالی عده‌ای که از این مکان بهره‌مند شده بودند.

۶- مسائل اجتماعی و قانون برنامه سوم توسعه:

در قانون برنامه سوم دو نکته مهم مورد توجه قرار گرفت. نخست بحث مشارکت آحاد مردم در فعالیتهای فرهنگی - اجتماعی که منتهی به شکل‌گیری سازمانهای غیر دولتی، شوراهای شهر و روستا، تأسیس مدارس و دانشگاههای غیر انتفاعی و ... از این دست بود و نکته دوم بحث خصوصی سازی و واگذاری مراکز دولتی و فعالیتهای عمومی به بخش خصوصی بود که حاصل این سیاست فعال شدن نسل جوان، کاهش بیکاری و ایجاد امید و نشاط بود اتفاق مهم در طول اجرای قانون برنامه سوم توجه به سرمایه انسانی و اجتماعی بود که با اجرای طرحهای ملی زمینه توسعه فرهنگ عمومی جامعه فراهم گردید و مردم به عنوان سرمایه های اصلی جامعه مورد توجه قرار گرفتند. از مهمترین رویکرد های قانون برنامه سوم توجه به بحث بیمه های اجتماعی و در جهت تحقق اصولی از قانون اساسی بود که دولت را موظف به پرداخت یارانه به اقشار آسیب پذیر کرد. با رویکرد تحقق عدالت اجتماعی بود اما از آنجا که ساختار اجرائی کشور با این تصمیمات سنخیت نداشت، نه تنها عدالت محقق نشد که بی عدالتی و اختلاف سطح زندگی و در واقع توسعه فاصله طبقاتی به خوبی نمایان گشت بنابراین بر قانونگذاران است که اگر سیاست و یا قانونی را وضع می

کنند باید ساختار متناسب آن را هم در نظر بگیرند و قطعاً ساختار باید مقدم بر برنامه باشد تا برنامه بتواند شکل اجرایی مناسبی به خود بگیرد.

۷- مسائل اجتماعی و قانون برنامه چهارم توسعه:

در بررسی مواد سیاستهای اجتماعی در قانون برنامه چهارم توسعه همچنان نگاه به مسائل اجتماعی در بر گیرنده مسائل رفاهی، بیمه خدمات درمانی، آموزش و سلامت و نیم نگاهی به عدالت اجتماعی زنان و جوانان دیده شده و نکته جالب آنکه در مورد اشتغال فقط در حوزه جوانان توجه شده بنابراین اشتغال سایر اقشار جامعه بویژه زنان مغفول است. و مهمتر اینکه زنان عمدتاً در نهاد خانواده مورد تاکید و تقویت می باشند و جایگاه آنها در صحنه های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی آنان با هیچ شاخصه ای مورد توجه قرار نگرفته و معلوم نیست که سیاست کلی نظام دال بر تقویت، حمایت، ایجاد فرصت و ... برای حضور اجتماعی زنان بویژه دختران جوان با چه شاخصه ای مورد نظر قرار گرفته است تنها در پایان بند اشاره به «توجه ویژه به نقش سازنده آنان» شده است.

نکته دیگر اینکه کسب معرفت و بصیرت را در حوزه معرفت دینی تعریف کرده و حتی تقویت هویت ملی جوانان را متناسب با آرمانهای انقلاب اسلامی توصیف نموده در حالیکه توسعه ارتباطات و گسترش الگوهای جهانی مورد توجه جوانان قرار گرفته و جوان جامعه ایرانی به آرمانهای انقلابی در این دوره نمی اندیشد بلکه به برخورداری از رفاه و تغییر الگوی زندگی توجه دارد به عبارت دیگر سیاست گذاران به دور از واقعیت های جامعه برنامه ریزی کرده اند.

۸- مسائل اجتماعی و قانون برنامه پنجم توسعه:

با رویداد تحولات سریع فرهنگی - اجتماعی در سطح ملی و جهانی و آثار و تبعاتی که در جامعه اسلامی ایجاد کرد، بسیاری از ارزشهای انقلاب دیگر دغدغه جوانان نبود و دوران دوران گذر به مدرنیته و همگام با تحولات جهانی شد. مسئولین و سیاستگذاران از این تحولات نگران شدند و فرض را بر این گرفتند که برای حفظ ارزشهای انقلاب و ارزشهای دینی باید مراکز مذهبی و آموزشهای دینی تقویت شود لذا در قانون برنامه پنجم بودجه های کلانی به حوزه های علمیه مساجد و مراکز مذهبی تزریق شد. در حالیکه جوانان و

نسل جدید فهم دیگری از مبانی دینی داشت. لذا قانون برنامه پنجم با رویکرد تقویت مبانی دینی، تربیت هیاتهای علمی با ظاهری دیندار و افزایش بورسیه‌های علمی برای آنها به خوبی نمایان است. حتی در برنامه ساماندهی امور جوانان، ورزش، سلامت هم موضوع رویکرد و نگاه مذهب و دین در اولویت قرار گرفت و متأسفانه موضوع اشتغال جوانان، توسعه صنعت، و کشاورزی مغفول واقع شد. موضوعی که موجب ایجاد فاصله میان ادبیات حاکمیت و ادبیات و فهم نسل جدید از نیازها و دغدغه‌های جامعه گردید.

با نگاهی مجدد به پنج قانون برنامه ج.ا.ا در حوزه مسائل اجتماعی با دو مؤلفه: رویکرد به مسائل فرهنگی - اجتماعی در قوانین برنامه و وزن آنان می‌توان چنین استنتاج کرد که اولاً قوانین اول و دوم عمدتاً اجرایی و عملیاتی و نزدیک به واقعیت‌های جامعه است. قانون برنامه سوم توسعه را عمدتاً در مشارکت مردم و تطبیق برنامه با استانداردهای پذیرفته شده جهانی تعریف کرد، قانون برنامه چهارم اما برخوردار از شرایط رفاهی بهتر و در کنار آن توجه به مسائل دینی و آموزه‌های آن شده است. قانون برنامه پنجم نیز عمدتاً آرمان‌گرائی است و از حوزه عمل و واقعیت بسیار فاصله دارد شاید به همین دلیل باشد که بر اساس گزارش مسؤولین فقط ۲۵٪ قانون برنامه پنجم به اجرا در آمده است نتایج بدست آمده نشان دهنده آن است که مؤلفه‌های فوق‌الذکر دور از ذهن نخواهد بود در قانون برنامه اول وزن مسائل اجتماعی نسبت به کل برنامه حدوداً در قالب تبصره‌ها ۱۶.۲ درصد است کل قانون برنامه اول دارای ۸۹ تبصره است که ۲۳ عدد آن مربوط به مسائل اجتماعی است.

در قانون برنامه دوم این وضعیت به شکل زیر است:

کل تبصره‌ها ۱۴۱ می‌باشد. تبصره‌های مربوط به مسائل اجتماعی ۲۵ تبصره است.

اما قانون برنامه سوم در قالب ماده تعریف شده و هدف‌گذاری و ترسیم خط مشی نیز لحاظ نشده که اینها در قالب مقدمه کلی بحث دیده شده است.

کل مواد مربوط به قانون برنامه سوم ۱۹۹ ماده است که نسبت مواد مربوط به مسائل اجتماعی - فرهنگی به کل مواد مربوط به قانون برنامه سوم ۱۶.۲ درصد است.

قانون برنامه چهارم تقریباً با همان سبک و سیاق قانون برنامه سوم تدوین شده یعنی قانون فاقد هدف‌گذاری و خط مشی است و کل برنامه در قالب ۱۶۱ ماده تدوین یافته که از این تعداد ۲۹ ماده مربوط به مسائل اجتماعی است که البته هر یک از آنها دارای دهها بند است و در مجموع وزن مسائل اجتماعی نسبت به کل مواد قانون برنامه چهارم ۲۰.۴ درصد

است. در قانون برنامه پنجم نیز کل مواد مربوط به قانون برنامه ۲۵۵ ماده است که ۴۲ ماده آن مربوط به مسائل اجتماعی است یعنی وزن مسائل اجتماعی نسبت به کل ۲۹.۶ درصد است.

منبع: پایگاه داده‌های فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منبع: پایگاه داده‌های فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، نیز که بر اساس مطالعات جامع کارشناسی مجمع تشخیص مصلحت نظام همراستا با جهت‌گیریهای مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۸۲ تصویب و به قوای مختلف ابلاغ گردید، از ابتدای سال ۱۳۸۴ مبنای قانونگذاری کشور و سیاستگذاریها، برنامه ریزیها و تصمیمات کلان نظام قرار گرفت این سند "در قالب ۱۲۳ شاخص کلان پایش و ذیل هشت محور اجرایی تعریف شده است:

محورهای اقتصادی، عدالت و رفاه اجتماعی، علم و فناوری، زیرساختی و زیست محیطی، حکمرانی، فرهنگی، سیاست خارجی و امور بین الملل و امور حقوقی - قضایی" (مداحی، شاخص‌های ارزیابی و پایش تحقق سند چشم انداز، ۱۳۹۳، ۶ و ۷).

کشورهایی هم که در افق چشم انداز در حوزه‌های اقتصادی و علم و فناوری مورد مقایسه می‌باشند عبارتند از:

ترکیه، عربستان، عراق، افغانستان، یمن، امارات، سوریه، اردن، بحرین، ازبکستان، قبرس، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، پاکستان، مصر، کویت، قطر، ارمنستان، آذربایجان، فلسطین، لبنان، رژیم اشغالگر قدس، عمان و ترکمنستان (همان).

در سند چشم انداز دو ویژگی مبنای سیاست‌گذاری قرار گرفته است:

۲- هویت انقلابی اسلامی

۱- توسعه یافتگی

مفاهیم توصیف شده در سند چشم انداز علاوه بر دو مفهوم اساسی "توسعه یافتگی" و " هویت انقلاب اسلامی" در بر گیرنده مفاهیم نسبی است که شامل "اول شدن در منطقه" ، " داشتن تعامل مؤثر با جهان" ، " و الهام بخش بودن در جهان اسلام" است.

مفاهیم دیگر سند چشم انداز به عنوان مفاهیم نسبی شامل اول شدن در منطقه ، داشتن تعامل مؤثر با جهان و الهام بخش بودن در جهان اسلام توصیف شده است.

با نگاهی مجدد به مفاهیم توصیفی در سند چشم انداز و جایگاه آن در قوانین برنامه نیز به بررسی قوانین برنامه می پردازیم : به عنوان مثال مفهوم توسعه یافتگی در حوزه علم و فن آوری را اگر مورد ارزیابی قرار دهیم چنین تفسیر شده :

توسعه یافتگی : جایگاه اول علمی و فن آوری با سه مؤلفه :

۱- برخورداری از دانش پیشرفته

۲- توانا در تولید علم و فن آوری

۳- تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم

همین توسعه یافتگی وقتی با مؤلفه برخورداری از دانش پیشرفته توصیف می شود نخستین نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد ، تعامل علمی با جهان است ، مراودات علمی ، مشارکت فعال در مجامع علمی بین المللی و دعوت از اساتید بین الملل ، اعزام اساتید برای حضور در مجامع جهانی و کسب و انتقال دانش به سطح علمی و چالش علمی در قالب طرح اندیشه های معارض و یا متنوع و ..

لیکن تحقق این امور در ساختار نظام ج . ا . ا و قوانین و مقررات موجود امکان اجرا ندارد. و همین امر سبب می شود توسعه یافتگی و رسیدن به جایگاه اول علمی و فن آوری در منطقه تحقق نیابد در مؤلفه های دیگر نیز وضع به همین منوال است. مثلاً در حوزه تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم ما با محدودیت بهره مندی از اینترنت پر سرعت و ارتباط با شبکه های اجتماعی روبرو هستیم زیرا قوانینی (قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره) وضع شده است که دولت را موظف به اعمال محدودیت می کند و تخلف از آن را جرم تعریف می نماید. طبعاً این محدودیت با موضوع جنبش نرم افزاری و تولید علم سنخیت ندارد و یا در موضوع « جایگاه اول اقتصادی» که در تعیین شاخص های آن تاکید بر اشتغال، نفوذ در اقتصاد بین الملل نرخ تورم و ... یاد می شود که با تحریم های بین المللی علیه اقتصاد ایران و توقف چرخ های صنعت و حاکمیت برداشت های دینی بر مبانی اقتصاد

آزاد و انطباق آن با واقعیت‌های جامعه، محدودیت صنعت توریسم و ... در تعارض است و همین مسائل موجب شده که ایران نه تنها به جایگاه اول اقتصادی در منطقه دست نیابد که حتی رقابت اقتصادی هم با برخی کشورهای منطقه نمی‌تواند داشته باشد.

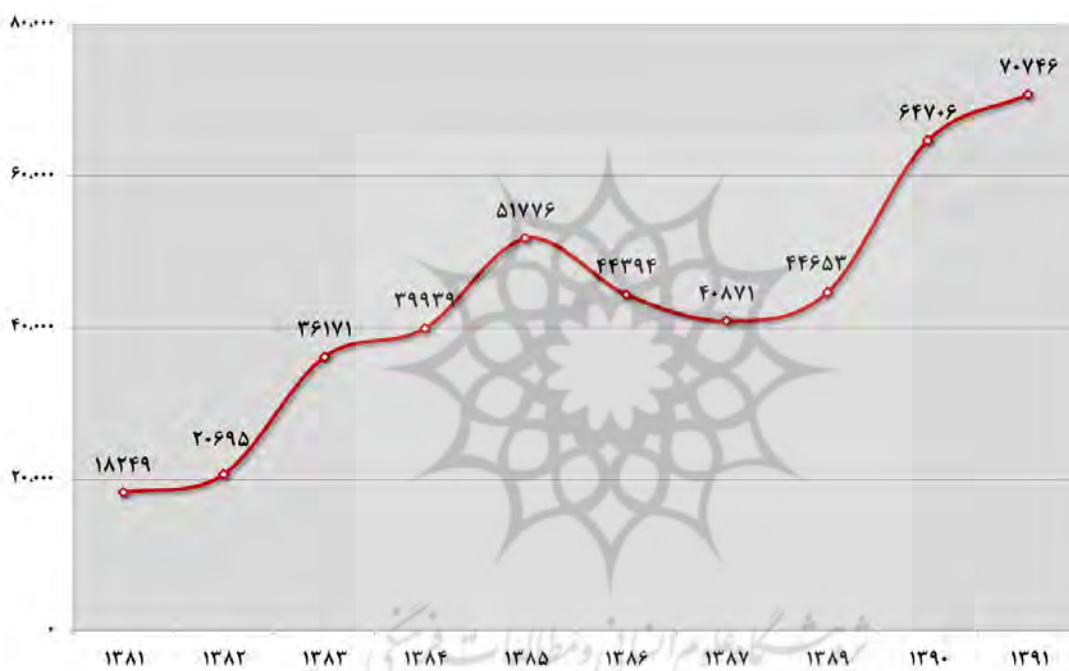
بنابراین واقعیت‌های اجتماعی در عرصه ملی و بین‌المللی با آرمان‌هایی که در قالب سیاست‌های کلان، هدف‌گذاری و تعیین خط مشی در قوانین برنامه اول تا پنجم توسعه وضع شده همخوانی ندارد و برنامه بیش از آنکه در تطابق با واقعیت‌ها باشد تعیین‌گر آرمان‌ها و ایدئولوژی حاکم بر آن است. ایدئولوژی که فهم از دین و منابع دینی آن را تعیین می‌کند لذا علیرغم اینکه در مطالعه‌ای که دکتر جوادی یگانه درباره مبانی قوانین برنامه اول و دوم به آن رسیده و تاکید می‌کند که رویکرد و نگاه سوسیالیستی است. اما برنامه کاپیتالیستی تعریف شده (جوادی یگانه، ص ۱۳). این مطالعه نشانگر آن است که عمدتاً فهم از منابع دینی توصیف‌گر برنامه است به عنوان مثال موضوع اجرای عدالت که تقریباً همه دولتمردان و همه برنامه‌ها برای تبیین و توصیف چگونگی اجرای عدالت در جامعه اسلامی ایران ساز آن را نواخته‌اند و در هیچ شرایطی شعار عدالت خواهی در ایران از بین نرفته، در تدوین قوانین برنامه نیز همواره اجرای عدالت به زعم برنامه‌ریزان، عنوان شده است. لیکن در عمل عدالت محقق نمی‌شود چون اولاً ساختار نظام در راستای اجرای عدالت طراحی نشده ثانیاً سیاست زده‌گی و سلیقه‌ای عمل کردن امکان تحقق آن را نمی‌دهد. همچنین تاکید بر توسعه و بهبود شرایط عمومی زندگی مردم شامل بهبود و توزیع درآمد و ثروت و جلوگیری از درآمدهای کاذب و غیر قانونی و یادآورده ناشی از امتیازات نابجا مطرح شده است و در نهایت توصیه به گسترش و بهبود تامین اجتماعی از طریق تامین منابع از محل بودجه عمومی برای پرداخت مستمری و یارانه به اقشار نیازمند شده است. از سوی دیگر دولت برای رفع محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی توجه خاص به مناطق محروم و روستاها نشان داده که تاسیس دفتر محرومیت زدایی در نهاد ریاست جمهوری از این دست است، موضوعی که به رفع فقر و محرومیت منتهی نشد بلکه موجب وابستگی محرومین به دولت و انتظار رفع محرومیت شده است جامعه جهانی برای رفع محرومیت‌های اقتصادی و فقر زدایی و ایجاد تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی کمتر به توصیه‌های اخلاقی و یا افزایش یارانه‌ها پرداخته بلکه بیشتر تاکید بر ضرورت انتخاب سبک زندگی و افزایش تعلقات ملی و تعلق به گروه‌های اجتماعی و قرار گرفتن محرومین در کنار برخوردارها را مورد توجه قرار داده و با توسعه فرهنگ و تعمیم فرهنگ و سبک

زندگی انتخاب را به عهده افراد قرار داده تا در جهت فقرزدایی گام بردارند به عبارت دیگر با یاد دادن ماهیگیری، زمینه‌های برخورداری را فراهم نموده است بنابراین ساده‌سازی موضوعات و مشکلات، فقدان تفکر استراتژیک و نبود سیاست‌های اجتماعی مشخص برای رفع محرومیت در جامعه و بهره‌مندی همگان از تسهیلات بیشتر نیازمند برخورداری از هدف‌های تحقق‌پذیر متناسب با امکانات و وسایل اجرای آنها است با این وجود جمهوری اسلامی ایران هیچگاه نسبت به امور اجتماعی فاقد سیاست اجتماعی نبوده است لیکن این سیاست‌ها عمدتاً ناظر بر حفظ پایداری و ثبات نظام بوده تا پایداری ملت و جامعه به عنوان مثال در قانون برنامه دوم توسعه برای عملی کردن هدف‌ها و اجرای سیاست‌های تنظیم شده بطور همزمان با اصلاح ساختار نظارتی، اجرایی و قضایی کشور مبنی بر ایجاد نظم و انضباط اداری و حذف دستگاه‌های موازی و اعمال نظارت دقیق بر عملکرد دستگاه‌ها و ... تمرکز زدایی و حذف بوروکراسی، مبارزه با فساد اداری و اجرایی، بازرگری و اصلاح قوانین مقررات و ... توجه داشته است لیکن گزارش‌ها حکایت از آن دارد که سیاست‌های تنظیم شده فقط بر روی کاغذ مانده و در اجرا به دلیل حاکمیت ارتباطات بر اجرای قانون، عملی و محقق نشده است. ضمن اینکه به نظارت بها داده شده در حالیکه مردم باید یاد بگیرند قانون را رعایت کنند و نظارت بر رفتار آنها به درون انسانها تسری یابد.

در جمع‌بندی اولیه قانون برنامه اول و دوم توسعه نشان از عدم توجه و یا کم توجهی به مسائل فرهنگی - اجتماعی است و تنها جنبه رشد آن شکوفایی در حوزه تعلیم و آموزش به ویژه در مقاطع تحصیلی غیر دانشگاهی است. در قانون برنامه سوم مسائل فرهنگی - اجتماعی با صبغه کاملاً فرهنگی و تقریباً همه سونگر تدوین شده اما ابزار مناسب برای نهادینه شدن آنها در نظر گرفته نشده است. حتی در موضوع مشارکت عمومی برای ایجاد سازمان‌های غیردولتی سازو کار لازم مغفول است بطوریکه در سال آخر برنامه آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۲ قانون برنامه سوم که ناظر بر تسهیل‌گری در امر ایجاد تشکل‌های غیر دولتی است به تصویب هیات وزیران می‌رسد. قانون برنامه چهارم تقریباً همان آهنگ قانون برنامه سوم را دارد اما با تمرکز بر بیمه عمومی و آموزش عالی و قانون برنامه پنجم عمدتاً ناظر بر مباحث دینی و حاکمیت دین و ایجاد تسهیلات لازم برای توسعه امور مذهبی از جمله تامین نیازهای مردم در زیارتگاه‌ها، شناسایی امامزاده‌ها و ایجاد زمینه برای گردشگری و زیارت به این اماکن در نظر گرفته شده است. لذا ما شاهد رشد دو برابر

مراکز زیارتی و امامزاده‌ها در دوره برنامه پنجم و کلا در رفتار حاکمیت دولت نهم و دهم هستیم. نمودار زیر بیانگر این نکته است که رشد مراکز زیارتی و اماکن مذهبی چگونه بوده است:

نمودار شماره ۱: روند تعداد مساجد کل کشور در سالهای ۱۳۸۱-۹۱



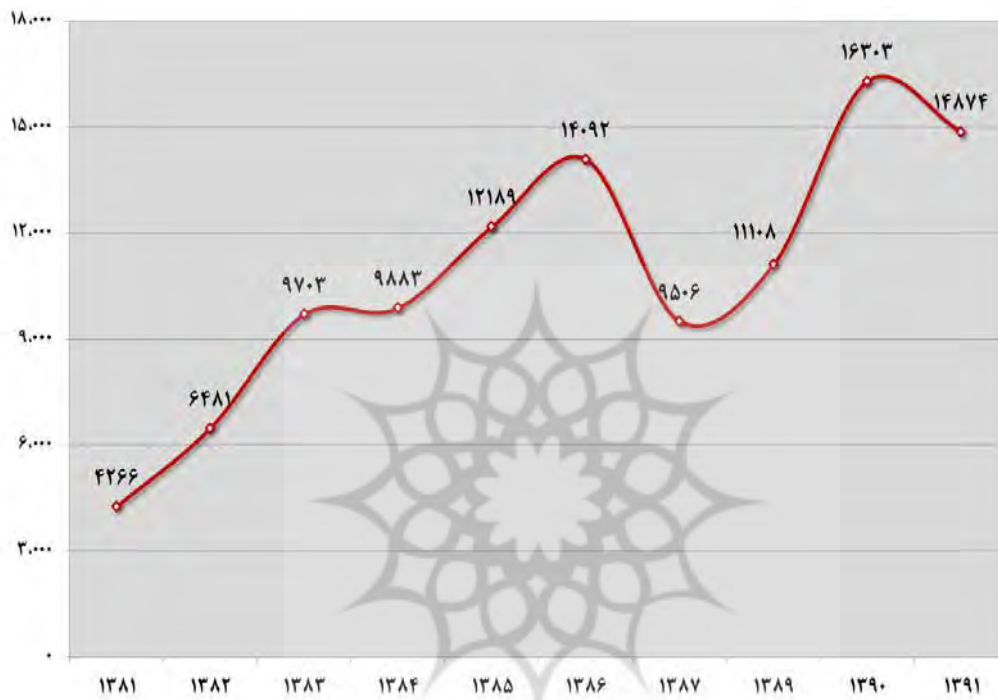
منبع: موسسه نقش کلیک

نمودار شماره ۲: روند تعداد اماکن متبرکه اسلامی کل کشور در سالهای ۱۳۸۱-۹۱

سال	تعداد اماکن متبرکه اسلامی کل کشور
۱۳۸۱	
۱۳۸۲	
۱۳۸۳	
۱۳۸۴	
۱۳۸۵	
۱۳۸۶	
۱۳۸۷	
۱۳۸۹	
۱۳۹۰	
۱۳۹۱	

منبع: موسسه نقش کلیک

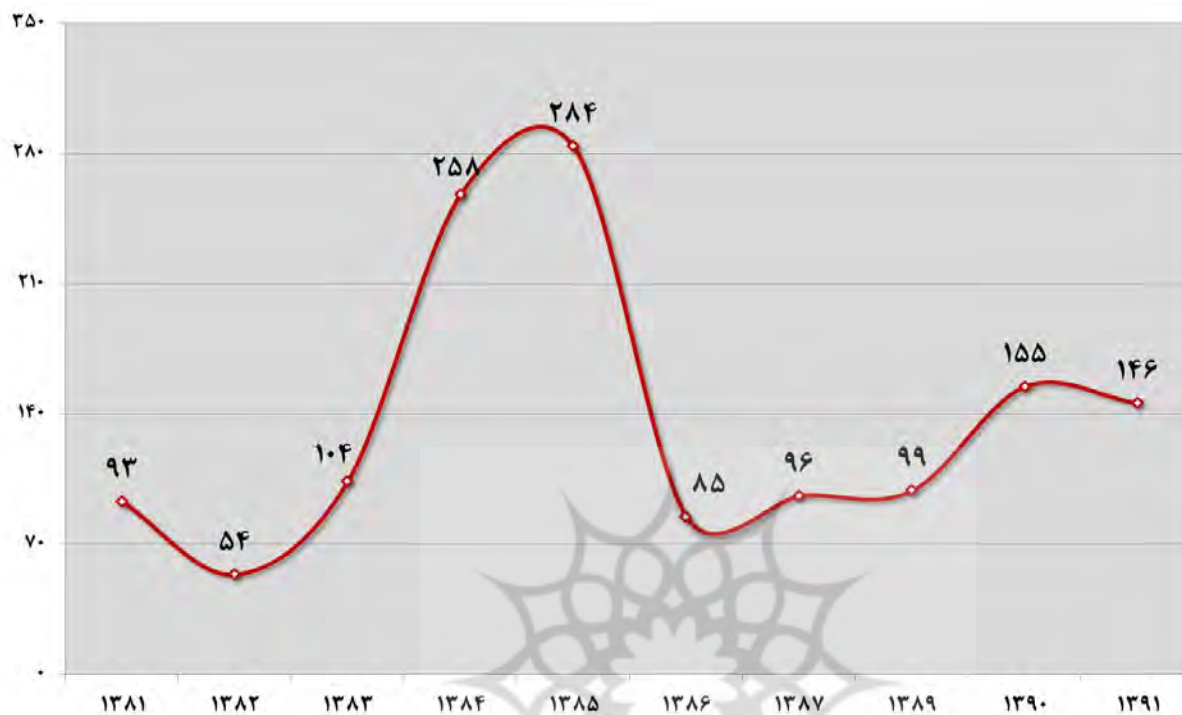
نمودار شماره ۳: روند تعداد اماکن تکیه و حسینیه‌های کل کشور در سالهای ۹۱-۱۳۸۱



منبع: موسسه نقش کلیک
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نمودار شماره ۴: روند تعداد اماکن مذهبی اقلیتهای دینی کل کشور در سالهای

۹۱-۱۳۸۱



منبع: موسسه نقش کلیک

۹- نتیجه‌گیری و جمع بندی :

در سال ۱۳۷۵ یعنی در دومین سال اجرای برنامه دوم توسعه مباحث انحرافی و چالشی در خصوص ضرورت و یا عدم ضرورت داشتن برنامه مطرح شد و اینکه مبنای برنامه توسعه عدول از ارزش‌های انقلاب و فرهنگ دینی است و یا اینکه برنامه در سطح ملی دیده شده و ترسیم‌گر جایگاه ایران در منطقه و جهان نیست این بگو مگوها منتهی به این شد که گروهی متشکل از صاحب‌نظران اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، فنی و مهندسی و ... بسیج شدند تا طرحی نو جهت ارائه برنامه‌ای جامع از آینده ایران و تعیین جایگاه آن در منطقه و جهان با عنوان ایران ۱۴۰۰ (ه.ش) را در نظر گرفتند که اساساً برگرفته از برنامه ۲۰۲۰ کشور مالزی بود. تیم مذکور تقریباً یکسال فعالانه در همه زمینه‌ها بررسی‌های لازم را به عمل آوردند و نهایتاً سند و برنامه‌ای را با عنوان ایران ۱۴۰۰ تدوین

نمودند. که چون برنامه ارائه شده با واقعیت‌ها مطابقت نداشت و عمدتاً آرمان‌گرایانه بود برای اجرائی کردن آن اجماعی صورت نگرفت فلذا نتوانست جای خود را در برنامه‌ریزی باز کند و برنامه به روال سابق و به عنوان قانون برنامه سوم توسعه از سر گرفته شد. (نقل به مضمون از مداحی)

نکته اینجاست که این نظام همواره دچار عدم وحدت رویه در انجام امور است به عبارت دیگر سلاقی همواره محور انجام امور است، نه برنامه و یا حداقل اتاق فکری که تدوین‌گر خط مشی و سیاست‌های کلی نظام باشد. به عنوان مثال بر اساس نظریه‌ای شخصی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۸۵ و پس از تجربه‌ای حدوداً ۵۰ ساله منحل می‌شود.

مثلاً در حوزه آموزش و پرورش که از گذشته‌های دور و از سال ۱۳۴۰ به آن اهتمام ورزیده شده چرا که اساس پیشرفت در همه حوزه‌ها چه فرهنگی - اجتماعی و چه اقتصادی و سیاسی تابعی است از رشد درک بهتر که نتیجه مستقیم آموزش و تعلیم و تربیت است از ثبات لازم در ساختار آموزش و پرورش برخوردار نیست. لذا اگر چه این حوزه با فعالیت چشمگیری روبرو بوده و هر سال متناسب با افزایش جمعیت و افراد لازم‌التعلیم به نرخ رشد پوشش آموزش در سطوح مختلف افزوده گشته است که به جز در برخی از مقاطع همواره با رشدی صعودی و ملایم همراه بوده است موضوعی که منتهی به ورود و حضور تعلیم‌یافتگان به سطح آموزش عالی گردید و متفکران و صاحب‌نظران تاکید زیادی بر دوره‌های آموزشی داشتند ولی به تدریج که پوشش تحصیلی در دوره‌های آموزش عمومی کامل شد بی‌سوادی و کم‌سوادی در سطح شهر و روستا تقریباً ریشه‌کن شد لیکن این مسئله تأثیر فراوانی بر توسعه بهداشت، فرهنگ عمومی جامعه، حفظ محیط زیست، تغییر سبک زندگی و تامین رفاه و امنیت عمومی جامعه نداشت. نظام هم برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود در این زمینه هزینه‌های زیادی را متحمل شد. اما به دلیل تک‌بعدی بودن برنامه‌ها نتایج به دست آمده بسیار کند به ثمر نشست. و در مثالی دیگر در سال ۱۳۶۳ با تصویب مجلس شورای اسلامی طرح توسعه شبکه‌های بهداشتی و درمانی کشور راه اندازی شد و بدینوسیله خدمات بهداشتی اولیه شامل آموزش همگانی جامعه در زمینه مسائل بهداشتی، بهبود غذا و تغذیه صحیح و مناسب، تامین آب آشامیدنی سالم و کافی و بهسازی محیط زیست و مراقبت‌های بهداشتی مادران و کودکان و تنظیم خانواده، ایمن‌سازی محیط و پیشگیری از بیماری‌های شایع و کنترل آنها و درمان مناسب

در برنامه‌ها لحاظ شد لیکن یکباره در سال ۱۳۷۸ طرح خودگردانی بیمارستانها به اجرا گذاشته شد و اجرای برنامه را با چالش روبرو ساخت.

از سویی دیگر طرح تامین اجتماعی و بیمه دستخوش بدهی‌های سنگین و در واقع بحرانهای مالی جدی گردید. با افزایش نرخ بیکاری در کشور قانون بیمه بیکاری به اجرا درآمد که هیچ خصوصیتی از یک قانون بیمه بیکاری که بتواند حداقل مطابق مقررات خود عمل کند نداشت و در بخش آموزشی نیز که بر اساس قانون اساسی رایگان تلقی شد از سال ۱۳۶۸ به بعد بخشی از نظام آموزشی عمومی، خصوصی شد این امور به تدریج مدار زندگی اجتماعی در ایران را با تعارضات و تناقضات متعددی رو به رو ساخت حتی گروهی که تدوین گر برنامه ایران ۱۴۰۰ بودند نتوانستند با نگاهی فراگیر به حل این تعارضات پردازند. پرداختن به مسائل جوانان، زنان و رفع فقر و محرومیت در برنامه ایران ۱۴۰۰ نکته جدیدی را در قوانین برنامه بعدی ایجاد نکرد بلکه رویکرد خاصی را که در واقع برگرفته از اندیشه و تفکر ایدئولوژیک حاکم بر برنامه بود ایجاد کرد که در این رویکرد موضوع زنان و جوانان بیشتر رخ می‌نمود. و جوانان را با این احساس روبرو ساخت که دولت توجهی به آینده آنها نداشته تعلقات خاطر آنها را نادیده می‌گیرد و بیشتر آرمان‌های خود را پیگیری می‌کند. در حوزه زنان نیز بیشتر به زنان سرپرست خانوار و بی‌سرپرست پرداخته شد و دختران جوان احساس کردند که در آینده این سرزمین جایگاه شناخته شده و تعریف شده‌ای ندارند این‌ها همه در شرایطی بود که جامعه دهه هفتاد نه جامعه پیش از انقلاب اسلامی بود و نه جامعه سال‌های دهه ۱۳۶۰ بلکه جامعه‌ای با سامان اجتماعی مدرن اما دچار گسست از گذشته، مسئله‌ای که منتهی به سنت زدایی گردید سطح تحصیلات آنان که به لحاظ کمی و حتی در مواردی کیفی افزایش یافته بود دیگر عرف و هنجارهای اجتماعی را بر نمی‌تایید و از سویی رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه ملی نتوانست انتقال دهنده ارزش‌ها بر اساس نیازهای روز باشد در این دوره بسیاری از نیروهای اجتماعی با این سوال مواجه شدند که مبنای اعتقاد به سنت‌ها چه بوده است مثلاً در موضوع زنان، جامعه جدید با زنان تحصیل کرده روبرو شده بودند که نرخ بیکاری بالایی دارند و عادت به خانه داری هم ندارند بلکه جویای کار هستند یا سرگردان و سرخورده در خیابان‌ها (در حوزه شهری) و در ارتباطات تعریف نشده و حتی سنت شکنانه از طرف دیگر نظام جمهوری اسلامی ایران هنوز درگیر مسائل سنتی خود است نحوه برنامه ریزی، نگرش به تولید و توسعه همگی باز تولید برنامه‌های گذشته اند و حتی مدیریت آن

درگیر صرف مشکلات و مسائل درون سازمان قدرت است. و در عین حال با چالش جدی با پدیده جهانی شدن رو به رو شده است. جهانی شدن که صورت‌های تازه‌ای از قشر بندی را در درون جوامع به بار می‌آورد و در عین حال پیامدهای متفاوت از حیث فرهنگی، گرایش به ایجاد آواره‌گی فرهنگی را به همراه داشت (مهاجرت نخبگان). و از طرفی دیگر به تعبیر آنتونی گیدنز پافشاری بر تنوع جستجو برای کشف سنتهای محلی از دست رفته و تاکید بر هویت فرهنگی و محلی قرار گرفته است (گیدنز، آنتونی، ص ۱۳۴) بنابراین نظام جمهوری اسلامی ایران در این سالها با حجم عظیمی از دگرگونی‌های بزرگی در تاروپود زندگی مردم روبرو است. چنین تحولاتی امروز در سطح جامعه ایران در جوانان و زنان متبلور شده است و لو آنکه در برخی از سطوح از نگرش‌ها و فعالیتهای آنها پنهان یا خاموش بوده است. در حالیکه ضروری است این نظام نسبت به وقایع نو و مدرن اجتماعی برنامه ریزی کند و پاسخگوی مطالبات و ابهامات نسل امروز باشد تا آنها بتوانند از آینده‌ای امیدوارکننده برخوردار باشند.

به امید آنکه مدیران و سیاستگذاران در تدوین قوانین برنامه آینده و در سیاستگذاری‌ها مسائل اجتماعی و تحولات سریع جامعه را مد نظر قرار دهند.

منابع و ماخذ :

- آلن پیرو، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، ناشر: سازمان انتشارات کیهان - تاریخ نشر: تهران، ۱۳۷۰.
- ال. رایگتن، مارتین واینبرگ؛ رحمت الله صدیق سروستانی رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- پروفیسور چیه ناکانه، جامعه ژاپنی، ترجمه نسرین حکمی، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.
- صانعی، پرویز، جامعه شناسی ارزش‌ها، انتشارات جار، ۱۳۵۴.
- فاضلی، نعمت‌الله، در حوالی همین کوچه‌ها، نشر علم، تهران، ۱۳۹۴.

- گلشن فومنی، محمد رسول، جامعه شناسی سازمان ها و توان سازمانی، نشر دوران، تهران، ۱۳۷۹

- گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید؛ ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸.

- محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه شناسی، نشر دوران، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۷۵

- محمدی، سید بیوک، شناسایی مسائل اجتماعی ایران، انتشار محدود، ۱۳۸۴

- مداحی، محمد ابراهیم، شاخص های ارزیابی و پایش تحقق سند چشم انداز، ناشر سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، ۱۳۹۳.

- الوین تافلر - وهایدی تافلر، به سوی تمدن جدید سیاست در موج سوم، ترجمه محمد رضا جعفری، نشر سیمرخ، تهران، ۱۳۷۶.